

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از لاهوتی

فرستنده : جاوید

۱۱ اپریل ۲۰۱۸

[بگریخت دل ز دستم]

بگریخت دل ز دستم ، پیش تو ، دیدی او را؟
دل در وفا زند جوش ، آن را مکن فراموش
گرد در حریم دلبر ، دل گشته است محرم
گفتی بیا و آمد در سینه دل به پرواز
بایک تبسم ، از خاک ، بالا برش به افلاک
دور از تو بود و زنده است لاهوتی، این عجب نیست

رقصان ، دوان ، غزلخوان ، جاتم ، شنیدی او را؟
چون بین عشقبازان ، خود برگزیدی او را
بخشیده صدقش اینسان بخت سپیدی او را
یک دم ، زدی و برتن پر بر دمیدی او را
اکنون کز آتش هجر ، بیرون کشیدی او را
یادت رهانده زین سان حال شدیدی او را

مسکو، ۱۹۵۲